

بسم الله الرحمن الرحيم

الحمد لله رب العالمين و صلي الله علي سيدنا محمد و آله الطاهرين

ادامه مباحث مقدماتي (اجماع بر حجیت اخبار کتب روایی)

عرض کردیم در بحث از حجیت خبر واحد باید چند نکته را به عنوان مقدمه بیان کرد؛ نکته اول: آیا این بحث [حجیت خبر واحد] از مسائل علم اصول هست یا خیر؟ که در جلسه گذشته بحثش را عنوان کردیم. نکته دوم: مرحوم محقق نائینی (اعلی الله مقامه الشریف) در کتاب فوائد الاصول عنوان کرده اند: اجماعی منعقد شده است بر حجیت اخبار موجوده‌ی در کتب روایی که به دست ما رسیده است. می‌فرمایند: «قد انعقد الاجماع علی حجیة الاخبار المودعة فیما بأیدینا من الکتب». اگر چنین اجماعی مسلم باشد، یعنی تمام اخباری که در کتب روایی آمده است (کتب را هم مقید به کتب اربعه نکرده‌اند)، همه حجت هستند. و ظاهر عبارت مرحوم نائینی این است که ایشان اصل انعقاد اجماع را می‌پذیرند؛ یعنی اجماع داریم تمام روایاتی که در کتب روایی امامیه آمده است، حجیت دارد و معتبر است.

در این صورت، اگر چنین اجماعی ثابت باشد، دیگر بحث از حجیت و عدم حجیت خبر واحد، بحث لغوی است. این نکته را نیز توجه داشته باشید که در بحث از ادله‌ی مثبتین، یکی از ادله‌ی حجیت خبر واحد را «اجماع» ذکر می‌کنند؛ آن اجماع با این اجماع فرق دارد. معقد آن اجماع خود خبر واحد است؛ یعنی کسانی که قائل به حجیت خبر واحد هستند، می‌گویند: «اجماع داریم خبر واحد که مفید برای ظن است و محفوف به قرائن قطعی نیست، حجیت و اعتبار دارد»؛ اما معقد این اجماع تمام اخباری است که در کتب روایی آمده، چه خبر واحد و چه غیر آن؛ می‌گوید هر خبری که در کتب مثل کافی، من لا یحضره الفقیه، تهذیب، استبصار و دیگر کتب روایی آمده، حجیت دارد. مرحوم محقق نائینی با این که اصل انعقاد این اجماع را پذیرفته‌اند، اما می‌فرمایند: «لا یصح الاتکال علی هذه الاجماع» بر این اجماع نمی‌توانیم اعتماد کنیم؛ برای این که بین مشرب و مذهب مجممین اختلاف وجود دارد.

گروه سه‌گانه اجماع‌کنندگان

گروه اول: قائل هستند روایاتی که در کتب روایی آمده همه، «قطعی الصدور» هستند. می‌گویند چون روایات قطعی الصدور هستند، لذا هر خبری که در این کتب آمده، حجیت دارد و معتبر است. گروه دوم: انسدادی‌ها هستند؛ عده‌ای که خبر واحد را حجت نمی‌دانند، و اینطور هم نیست که از روایات [موجود] در کتب اربعه دست بردارند، و از باب ظن مطلق به این روایات عمل می‌کنند. این‌ها می‌گویند ظن حاصل از خبر واحد هم برای ما حجت است. گروه سوم: گروهی هستند که حجیت خبر واحد را از راه دلیل خاص معتبر می‌دانند؛ مثلاً از راه آیه نبأ، آیات، روایات و ادله‌ای (که در جای خودش به آنها می‌رسیم). لذا، ایشان می‌فرماید: مشرب و مبنای مجممین در اعتبار این روایاتی که در کتب روایی مختلف است سه مذهب است؛

بعضی‌هایشان از باب قطعی الصدور بودن، بعضی‌ها از راه مطلق ظن و انسداد، و بعضی‌ها هم از راه ظن خاص و دلیل خاص این روایات را حجت می‌دانند. ایشان می‌خواهند نتیجه بگیرند که این اجماع به درد نمی‌خورد؛ اجماعی که در مسلك و مشرب مجممین اختلاف است، کاشف از رأی معصوم (ع) نیست. آن وقت در اینجا يك اصطلاحی را ذکر کردند که - (ما در جایی دیگر ندیدیم) - می‌فرمایند: ما يك اجماع مرسل داریم، و يك اجماع تقیدي داریم.

اجماع مرسل طبق تفسیر ایشان یعنی اجماعی که مذهب مجممین ره‌است؛ یا همه يك مذهب دارند یا اینکه اصلاً معلوم نیست بینشان اختلاف باشد؛ اما اجماع تقیدي جایی است که مبانی و مشرب مجممین در اجماع مختلف است. لذا، می‌فرمایند: ولو اینجا در مبانی اختلاف دارند، اما در نتیجه اتفاق دارند؛ با این حال، اجماع بر نتیجه برای ما کاشفیت از رأی معصوم (ع) ندارد. توضیح مطلب ایشان این است که گروه اول که قائل هستند روایات قطعی الصدور است، اگر اینها را متوجه فساد مبنایشان کنیم، بگوئیم این حرف باطل است؛ چطور شما می‌توانید بگوئید روایات در کتب اربعه و بقیه کتب روایی، قطعی الصدور است؟ اگر متوجه فساد مبنایشان بشوند، دست از نتیجه بر می‌دارند. لذا، این نتیجه مقید است به این که این مبنا صحیح باشد، و این اجماع می‌شود اجماع تقیدي؛ یعنی مقید است که این مبانی در نزد هر کدام از صاحبان اجماع و مجممین صحیح باشد. ایشان سپس نتیجه گرفته و می‌فرمایند: کسی که می‌خواهد خبر واحد را حجت بداند، باید روایات کتب روایی را قطعی الصدور نداند، باید انسدادی هم نباشد، باید مطلق ظن را نیز معتبر نداند؛ و الا اگر کسی همه روایات را قطعی الصدور بداند، یا مطلق ظن را معتبر بداند، دیگر نیازی به این که بیاید در بحث حجیت خبر واحد، اقامه دلیل کند، ندارد.

اشکالات کلام مرحوم محقق نائینی

بر این فرمایش نائینی دو ملاحظه وجود دارد. **ملاحظه اول:** این است که ما اگر متوجه بشویم مجممین همه يك مبناي واحد دارند، باز هم می‌گوئیم چون این اجماع مدرکی است، اعتباری ندارد. به عبارت دیگر، از کلام نائینی استفاده می‌شود اصل مدرکی بودن اجماع مانعی ندارد؛ اما اگر مجممین اختلاف در مدرک داشته باشند، اشکال دارد. حالا ما به ایشان عرض می‌کنیم اگر تمام مجممین در این اجماع يك مبناي واحد داشتند، مثلاً همه قائل بودند اخبار کتب روایی قطعی الصدور هستند، حالا يك فقیهی می‌آمد اثبات می‌کرد که این اخبار قطعی الصدور نیستند، این اجماع دیگر به درد آن فقیه نمی‌خورد. **ملاحظه دوم:** اشکالی است که مرحوم محقق عراقی (اعلی الله مقامه الشریف) در حاشیه فوائد الاصول بر مرحوم نائینی وارد کرده است و آن اشکال از توضیحی که ما بر کلام مرحوم نائینی دادیم به خوبی روشن می‌شود. اشکال عبارت از این است: شما از کجا می‌دانید مجممین که الآن سه گروه هستند از حیث مبنا، اختلاف در مبنا و مشرب دارند؟ از کجا می‌دانید که اگر هر گروهی علم به فساد مبنایشان پیدا کنند، دست از این نتیجه بر می‌دارند؟ گروه اول می‌گویند ما قطع به صدور داریم. گروه دوم می‌گویند از باب دلیل انسداد و مطلق ظن آنها را حجت می‌دانیم.

و گروه سوم می‌گویند از باب ظن خاص حجت هستند. مرحوم عراقی می‌فرمایند: برویم سراغ گروه اول، آیا گروه اول، اگر التفات به فساد مبنایشان پیدا کنند، باز دست از این نتیجه بر می‌دارند؟ یعنی می‌گویند اخبار مودعه‌ی در کتب روایی معتبر نیست؟ ادعای ایشان این است - (يك اصطلاحی دارند که من کمتر این اصطلاح را دیده‌ام) - می‌فرمایند يك چیزهایی از قبیل نکات بعد الوقوع است، نه نکات قبل الوقوع. یعنی يك مطلبی مسلم بین فقهای متقدم بوده است، آنچه که در اصول اربعة مأه آمده و بعداً در کتب اربعة آمده، اینها حجیت دارد و تردیدی در این نداشتند. منتها بعد از اینکه این مطلب واقع شد و مسلم عندهم شد، می‌گویند حالا يك نکته و علتی هم برایش ذکر کنیم؛ علت بعد الوقوع. علتش این است که قطع به صدورش داریم، بحیث این که اگر ما را متنبه کنند به اینکه این قطع به صدور هم باطل است، باز دست از اصل مبنا و دست از اصل نتیجه بر نمی‌دارند، می‌گویند این اخبار مسلم است. تعبیرشان این است: «... إنّه لو فرض عدم قطعية سند الاخبار ولا تمامية الانسداد ولا تمامية الادلة الخاصة من آية النبأ وغيره اگر ادعا کنیم اخبار قطعی نیست، انسداد تمام نیست، ادله خاص هم تمام نیست، یعنی

هر سه مبنا را پاک کنیم و بگذاریم کنار، فهل يرفعون الاصحاب يدهم عن مثل هذه الاخبار في مقام استنباط الاحكام آيا فقهاي ما رفع يد مي کنند از اين اخبار در مقام استنباط؟ کلاً وحاش ، به هيچ وجه اينها رفع يد نمي کنند و ذلك يكشف عن حجية الخبر.

نقد اشکال مرحوم عراقي بر سخن مرحوم نائيني

اشکال اولي را که خودمان داشتيم نسبت به فرمايش مرحوم نائيني همان بحث مدرکي بودن اجماع بود. اما اين اشکال دومي که مرحوم عراقي کردند، ببينيم آيا اشکال واردي است يا نه؟ ظاهرش اين است که نمي توانيم اين فرمايش مرحوم محقق عراقي را به نحو کلي بپذريم؛ معقد اجماع، اجماع بر جميع رواياتي است که در کتب روايي آمده است. اگر گفتيم اختلاف مسلک مجمعين مضر به اين اجماع است (کما اينکه نائيني فرمود) آن وقت، مرحوم عراقي اشکال مي کند که مضر نيست. اينها اگر بفهمند اين مسلک هايشان هم باطل است، دست از اين نتيجه بر نمي دارند. اشکال ما اين است که چرا دست از اين نتيجه بر نمي دارند؟ مي گویند آن رواياتي را که فقها به آن عمل کردند را قبول مي کنيم اما ديگر اجماع بر جميع، از اين حرف، رفع يد مي کنند. اجماع بر جميع زماني است که بگویند ما قطع به صدور الجميع داريم. بله، اعتبار آن رواياتي که فقها به آنها عمل کردند، اظهر من الشمس است؛ به آنها عمل مي کنند. لذا، اين بيان مرحوم محقق عراقي بيان غير صحيحي است.

توضيح مطلب : در توضيح کلام مرحوم نائيني گفتيم که مجمعين مباني سه گانه دارند، ايشان مي گفت که اگر به گروه اول تنبه بدهيم که مبنايتان باطل است، دست از نتيجه بر مي دارند. مرحوم عراقي همين جا جلوي مرحوم نائيني را مي گيرد و مي گوید اينطور نيست که گروه اول که قائل به قطعي الصدور بودن اين روايات هستند، اگر التفات پيدا کنند که مبنا باطل است، دست از نتيجه برمي دارند؛ و اين اصطلاح را آورد که اینجا از باب ذکر علت بعد الوقوع است. يعني يك چيزي که وقوعش مسلم است، نيازي به اين که علتي هم برايش ذکر کنيم ندارد، اما حالا براي اينکه خالي از عريضه هم نباشد، علتي براي آن ذکر مي کنند. حالا اگر بعداً روشن شود که اين علت باطل است، دست از اصل مطلب بر نمي دارند. ما کبراي کلام عراقي را قبول داريم، ولي عرض ما اين است که وقوع را چه گرفتيد؟ يعني معقد اجماع را حجت اخبار مودعه ي في الكتب الروايي اجمالاً گرفتيد يا حجت جميع اخباري که در کتب مودعه است؟ اگر مي خواهيد بگويد اجمالاً است، ما فرمايش شما را قبول داريم؛ يعني اگر بطلان تمام اين مباني هم ثابت شود، بالاخره اجمالاً بسياري از اين روايات مورد عمل فقها قرار گرفته است و در اعتبارش هيچ ترديدي نيست؛ بيش از هزار سال است دارد به آن عمل مي شود. ولي اين غير از آن معقد اجماعي است که مرحوم نائيني ادعا کرده است. مرحوم نائيني نقل کرده و پذيرفته است که بر حجت جميع اخباري که در کتب روايي آمده، اجماع هست.

لذا، همان اشکال اول را بگويم که بالاخره اين اجماع، مدرکي است و اجماع مدرکي اعتباري ندارد. البته ما در اين مطلب در بحث هاي گذشته، توضيح داديم که تأمل داريم. مرحوم نائيني در دنبال اين مطلب، مطلبي را مي فرمايند که چگونه کسي مي تواند ادعا کند که نسبت به اين اخبار قطع به صدور دارد، در حالي که اختلاف فاحش بين الاخبار است؟ يك روايت در يك مورد مي گوید «لا يجوز»، روايت ديگر در همان مورد مي گوید «يجوز»؛ با وجود اين اختلاف فاحش، ما که قطع به متنافيين نمي توانيم پيدا کنيم. بعد مي فرمايند: علاوه بر اين، ادعای قطع به صدور، جداً غريب و خيلي بعيد است؛ خصوصاً بعد از زمان غيبت کبري، وما كنا نترقب من المتأخرين هذه الدعوى وقد نسب إلى شزيمة من الأخباريين . ما انتظار نداريم که متأخرين بيايند اين را ادعا بکنند، يك گروهی از اخباريين گفته اند. بعد مي فرمايند افرادي که قريب العهد به زمان حضور بودند، مثل مرحوم سيد مرتضي، اگر واقعاً قطع به صدور بايد حاصل مي شد، بايد براي آنها حاصل مي شد؛ آنها اولي بودند از ديگران که ادعای قطع به صدور داشته باشند؛ در حالي که مي بينيم سيد مرتضي چنين ادعايي ندارد. آنهايي که قريب العهد به زمان حضور بودند هم چنين ادعايي ندارند.

کلام مرحوم صاحب وسائل

اینجا مناسب دیدم که کلام مفصلي که شاید مفصل‌ترین کلام در این رابطه را مرحوم شیخ حر عاملی در خاتمه وسائل عنوان کرده است را بیان کنم. ایشان بعد از اینکه مصادر کتاب وسائل را بیان می‌کند، هشتاد مصدر ذکر می‌کند، هشتاد کتاب روایی نقل می‌کند کافی، من لا یحضر، تهذیب، استبصار، عیون اخبار الرضا، معانی الاخبار، اکمال الدین، امالی، خصال، توحید، علل الشرایع (اکثرش کتب صدوق است). صفات الشیعة، فضل الشیعة، المقنع، المجالس و الاخبار، المحاسن، بصائر الدرجات، رساله محکم و متشابه سید، رساله قبله فضل بن شاذان و نهج البلاغه، همه اینها را نقل می‌کند و می‌گوید آنچه که من در وسائل آورده‌ام از این کتاب‌ها نقل کرده‌ام. بعد در فایده ششم می‌فرماید جمع کثیری از علما شهادت داده‌اند به صحت و ثبوت این کتب از مؤلفینش و ثبوت این احادیث از ائمه عصمت (ع)؛ یعنی شهادت جمع کثیری از علما را نقل می‌کند بر این که آنچه در این کتب آمده، روایات معتبر است. آقایانی که علم رجال را ملاحظه فرموده‌اند، در اول علم رجال معمولاً این بحث مطرح است که اگر کسی ادعا کند روایاتی که در کتب روایی آمده، تماماً معتبر است، یا تماماً برای ما قطعی الصدور است، دیگر نیازی به علم رجال نیست؛ و کسانی که علم رجال را نفی می‌کنند، دیگر هیچ وقت نمی‌آیند بحث کنند که آیا خبر واحد حجیت دارد یا حجیت ندارد؛ آنها می‌گویند ما اصلاً نیازی به علم رجال نداریم، روایاتی که در کتب روایی ما آمده، تماماً معتبر است. این بحث، بحث مهمی است؛ و شاید در زمان ما نیز افرادی باشند که این نظریه را داشته باشند. ان شاء الله این فایده ششم را که حدود بیست صفحه در کتاب وسائل آمده، خلاصه‌اش را بیان می‌کنیم، بعد اشکالات آن را ذکر می‌کنیم.